

چالش‌های توسعه اجتماعی در نظام بین‌المللی حقوق بشر؛ با تأکید بر حق بر آموزش، حق بر بهداشت و رفع فقر

رضا اسلامی*

مهشید آجلی لاهیجی**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۱۸

چکیده

توسعه نیافتگی یا توسعه نامتوازن، منشأ مشکلات بسیاری در جهان امروز به شمار می‌رود و به شدت صلح و امنیت بین‌المللی را مورد تهدید قرار می‌دهد. توسعه اجتماعی به عنوان رویکردی خاص به حق بر توسعه، علاوه بر اینکه دارای خصوصیات حق بر توسعه است، انسان را محور اصلی سیاست‌ها و فعالیت‌های خود قرار داده و اساساً به منظور رفع نارسایی‌های اشکال ناپایدار توسعه مورد توجه قرار گرفته است. تحقق این فرایند که مورد شناسایی و تأیید جامعه بین‌المللی واقع شده، مستلزم برنامه‌ریزی دقیق، سیاست‌گذاری و همکاری در ابعاد ملی و بین‌المللی می‌باشد تا بتواند بر مبنای برابری، توانمندسازی و مشارکت به اهدافی چون عدالت اجتماعی و ایجاد و حفظ صلح بین‌المللی دست یابد. در این راستا، برای ایجاد یک محیط حمایتی برای ارتقای کیفیت زندگی مردمان و تحقق حقوق و آزادی‌های اساسی، مواجهه با چالش‌های موجود در تحقق مؤلفه‌های اصلی توسعه اجتماعی، به‌ویژه در حوزه آموزش، بهداشت و رفع فقر، ضروری به نظر می‌رسد.

کلید واژگان

توسعه اجتماعی، حق بر آموزش، حق بر بهداشت، رفع فقر.

* استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول).

someal@yahoo.com

** کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی.

mahshid_ajeli@yahoo.com

مقدمه

دستیابی به رفاه اجتماعی و استانداردهای بالاتر سطح زندگی از اهداف اصلی طرح موضوع توسعه در سطوح داخلی و بین‌المللی بوده است و از جمله دلایل پای فشردن بر ادعای بی‌عدالتی در نظم جهانی موجود^۱ تلقی می‌گردید. پیشگامان نظریه‌پردازی در مباحث توسعه، مطابق با دریافت اولیه‌ای که از تفاوت در سطح توسعه یافتگی کشورها داشتند، دلیل عمده نابرابری را تفاوت در رشد اقتصادی کشورها دانسته و بر همین اساس اعتقاد داشتند که رشد و در نتیجه آن توسعه اقتصادی باید در اولویت تلاش‌ها و اهداف دولت‌ها برای حرکت به سوی توسعه هرچه بیشتر قرار بگیرد؛^۲ اما توسعه اجتماعی در عمل در پی توسعه اقتصادی محقق نشد و برداشت محض اقتصادی از موضوع توسعه، نتایج نامطلوب اجتماعی-سیاسی در پی داشت.^۳

در خصوص تبیین جایگاه هنجاری و نهادی توسعه اجتماعی در نظام بین‌المللی حقوق بشر باید به این موضوع توجه داشت که در اثنای اقدامات و تلاش‌هایی که برای ایجاد "نظم نوین اقتصادی" در سطح بین‌المللی صورت می‌گرفت،^۴ اسنادی به تصویب سازمان ملل متحد رسید که ابعاد اجتماعی توسعه را مورد توجه و تأکید قرار داد. به‌ویژه در این رابطه اعلامیه پیشرفت اجتماعی و توسعه، مصوب ۱۹۶۹ مجمع عمومی سازمان ملل که پیشرفت‌های حاصل در خصوص وضعیت اجتماعی دنیا را ناکافی تلقی کرده و بر وابستگی و رابطه متقابل توسعه اقتصادی و اجتماعی تأکید می‌ورزد، قابل تأمل است.^۵ اما در نهایت به‌عنوان سندی بنیادین، با درک نیاز مبرم به شناسایی فرایند توسعه اجتماعی به‌عنوان یکی از ابعاد حق بر توسعه، جامعه

۱. سالومون، مارگوت؛ **مسئولیت جهانی برای حقوق بشر: فقر جهانی و توسعه حقوق بین‌الملل**،

ترجمه فریده شایگان، نشر مجد، ۱۳۹۱، ص ۹۷.

۲. مؤمنی، فرشاد؛ **نسبت توسعه اجتماعی با عدالت اجتماعی**، مجموعه مقالات همایش توسعه اجتماعی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰، ص ۱۴.

۳. مایر، جرال و سیرز، دادلی؛ **پیشگامان توسعه**، ترجمه علی اصغر هدایتی و علی یاسری، نشر سمت، ۱۳۸۴، ص ۱۴۷.

4. United Nations General Assembly, Declaration on the Establishment of a New International Economic Order, A/RES/S-6/3201, 1 May 1974.

5. United Nations General Assembly, Declaration on Social Progress and Development, Resolution 2542 (XXIV), 11 December 1969.

جهانی در ۱۹۹۵ طی اجلاس جهانی توسعه اجتماعی^۱ با اذعان به اهمیت موضوع توسعه اجتماعی، اقدام به انتشار بیانیه و برنامه عمل کپنهاگ نمود که با نگاهی جامع به بررسی مسائل و شرایط فعلی جامعه جهانی و ضرورت اتخاذ اقدامات و بر عهده گرفتن تعهداتی از سوی دولت‌ها برای نیل به این مفهوم می‌پردازد.^۲ در این راستا به نظر می‌رسد آنچه در مجامعی از قبیل کنفرانس جهانی ریو،^۳ کنفرانس حقوق بشر وین^۴ و کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه^۵ مورد بحث و بررسی قرار گرفت به نوعی هموارکننده مسیری بوده است که به درک مفهوم و ضرورت توسعه اجتماعی انجامید. تعهداتی که در این اجلاس مورد توجه قرار گرفت از نوعی مفهوم‌پردازی جامع، پیرامون محوریت انسان در فرایند توسعه، حکایت دارد. همچنین برای ارزیابی نتایج اجلاس مزبور، پنج سال بعد از اجلاس توسعه اجتماعی، اجلاس ویژه مجمع عمومی با عنوان "اجلاس جهانی سران برای توسعه اجتماعی در دنیای در حال جهانی شدن" (کپنهاگ+ ۵) منعقد شده و اقدامات بیشتری برای توسعه اجتماعی مورد توافق واقع قرار گرفت.^۶ بر این اساس تمامی دول عضو ملل متحد تعهد نمودند که طی بازه زمانی مشخصی به اهداف روشن و مشخصی دست یابند.^۷ در این سند از شورای اقتصادی اجتماعی خواسته شده که به‌واسطه کمیسیون توسعه اجتماعی اجرای تعهدات کپنهاگ و نتایج جلسه ویژه مجمع عمومی در این باره، به صورت منظم مورد ارزیابی قرار گیرد. این نهاد همچنین در راستای به اشتراک‌گذاری تجارب

1. World Summit for Social Development.

2. Copenhagen Declaration on Social Development, A/CONF.166/9, 1995.

3. United Nations Conference on Environment and Development, Rio de Janeiro, 3 - 14 June 1992.

4. World Conference on Human Rights, Vienna, , A/CONF.157/23, 14-25 June 1993.

5. International Conference on Population and Development (ICPD), A/CONF.171/13/Rev.1, 1994.

6. United Nations General Assembly Resolution, A/RES/S-24/2, 1 July 2000 .

۷. اهداف مزبور عبارت هستند از: ریشه‌کن ساختن فقر و کاهش نسبت افرادی که در فقر شدید بسر می‌برند به میزان نصف؛ تحقق شرایط آموزش همگانی دوره ابتدایی بدون تبعیض جنسیتی؛ ارتقای برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان؛ کاهش میزان مرگ و میر کودکان تا دو سوم؛ بهبود وضعیت مادران و کاهش مرگ و میر آنان تا سه چهارم؛ توقف روند ابتلا به بیماری‌های مهم، ایدز، مالاریا و ...؛ اصول توسعه پایدار و پایداری محیط زیست تضمین شود و تحقق مشارکت جهانی برای توسعه به واسطه راهبردهایی برای کمک به کشورهای در حال توسعه تدبیر شود.

کشورها و کمک به اعضا برای نیل به اهداف توسعه اجتماعی فعالیت می‌کند.^۱ توجه به موضوع توسعه به‌عنوان فرایندی چند بعدی و فراگیر در اجلاس هزاره سازمان ملل و اعلامیه هزاره به شدت تقویت^۲ و طی تلاش‌ها و اقدامات گسترده برای نیل به اهداف توسعه هزاره پیگیری شد. اندیشه توسعه پایدار نیز در سندی که در سال ۲۰۱۲ با وفاق عام به تصویب رسید،^۳ جایگاه توسعه اجتماعی را به‌عنوان یکی از ابعاد جدایی‌ناپذیر پروسه توسعه پایدار مجدداً مورد تأیید قرار داده و تثبیت نمود.^۴

توسعه اجتماعی به‌عنوان رویکردی خاص به حق بر توسعه، فرایندی از تغییراتی است که به بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها، روابط اجتماعی و نهادهای اجتماعی منجر می‌شود؛ به‌گونه‌ای که بر مبنای برابری و مشارکت صورت گرفته و هدف ساخت جامعه‌ای برای همه برآورده گردد. وقتی بعد اجتماعی به مفهوم توسعه اضافه می‌شود، معانی متعددی را می‌تواند شامل گردد؛ هرچند در گذر از میان این معانی دو بعد برای این مفهوم قابل تشخیص است: «یک بعد توصیفی که توسعه اجتماعی را به‌عنوان شرایط مردم و کیفیت زندگی آنان، کیفیت و پایداری نهادها جامعه و وضعیت آموزش و بهداشت و امنیت آنان می‌شناسد و بعد هنجاری که توسعه اجتماعی را در جایگاه هدف و مطلوبیتی که باید به آن دست یافت، قرار می‌دهد.»^۵ آنچه در

1. A/RES/S-24/2, Para. 10 & 156.

2. United Nations General Assembly, United Nations Millennium Declaration, A/RES/55/2, 18 September 2000.

3. United Nations General Assembly, The Future We Want, A/RES/66/288, 11 September 2012.

۴. باید توجه داشت که عمده منابع حقوقی حق بر توسعه که توسعه اجتماعی یکی از ابعاد اصلی این حق در نظر گرفته می‌شود، قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل می‌باشد. از دید برخی این قطعنامه‌ها از آنجا که فاقد ضمانت اجرا هستند، الزام آور به شمار نمی‌آیند؛ برخی آنها را صرفاً در میان منابع حقوق بین‌الملل احصا نموده و گروهی نیز معتقدند که چون قطعنامه‌ها انعکاس افکار عمومی جهان بوده حائز اهمیت‌اند و در دراز مدت اثر حقوقی دارند یا به‌عنوان عرف بین‌المللی قابلیت استناد خواهند داشت. در دیدگاهی دیگر نیز این قطعنامه‌ها چنانچه اعلام‌کننده اصول و قواعد عرفی یا قواعدی باشند که برای اکثریت دول الزام آورند و با اکثریت قابل توجهی نیز در مجمع تصویب شده‌اند، می‌توان آنها را تأیید مجدد یا تفسیر موثق آن قواعد محسوب نموده و از این رو، دولت‌ها را پایبند می‌سازند. به عقیده برخی اعلامیه حق بر توسعه در شمار قطعنامه‌های اخیرالذکر جای می‌گیرد.

Gutto, Shadrack, The legal Nature of the Right to Development and Enhancement of its Binding Nature, UN Economic and Social Council, E/CN.4/Sub.2/2004/16, 1 June 2004, Para 40.

5. Oyen, E., "Some Basic Issues in Comparative Poverty Research", International Social

تبيين جایگاه مؤلفه‌های توسعه اجتماعی باید گفت این است که این مؤلفه‌ها علاوه بر آنکه خود به‌عنوان حقوق و آزادی‌ها در نظام بین‌المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده و ذاتاً مطلوب هستند، طی روابط متقابل منجر به رشد جنبه‌هایی از زندگی بشری می‌شوند که در فرایند توسعه اجتماعی مساعد تلقی می‌گردد.

علی‌رغم تأکید جامعه بین‌المللی بر ضرورت توسعه اجتماعی، چگونگی تحقق این مفهوم و مؤلفه‌های آن به‌ویژه تحت عنوان توسعه اجتماعی و به صورت هماهنگ و هدفمند، در بستر نظام بین‌المللی حقوق بشر، مسئله‌ای است که غالباً مورد غفلت واقع شده است. بنابراین با توجه به تعریف ارائه شده از توسعه اجتماعی و تبیین جایگاه هنجاری آن در نظام بین‌المللی حقوق بشر، ارائه راهکارهایی برای تحقق مؤلفه‌های این مفهوم برای نیل به غایت توسعه اجتماعی در پژوهش حاضر ملحوظ نظر قرار دارد.

مبحث اول: چالش‌های تحقق حق بر آموزش در توسعه اجتماعی

علاوه بر اینکه حق بر آموزش به‌عنوان یکی از حقوق بشری مورد تأکید قرار گرفته است، می‌تواند وسیله و راهی برای نیل به اهداف والای منشور^۱ و نیز موضوعات مورد تأکید توسعه اجتماعی دانسته شود. در رویکردهای نوین به مقوله آموزش، مشکل بتوان پذیرش اندیشه لزوم دسترسی به آموزش به‌عنوان یک خیر عمومی و منفعت اجتماعی، و نیز به‌عنوان جزئی غیر قابل انفصال از توسعه انسانی، رشد پایدار اقتصادی یا کاهش فقر را که از موضوعات مورد توجه توسعه اجتماعی هستند، رد کرد. برخی اقتصاد دانان مطرح کرده‌اند که فراهم کردن آموزش منفعتی عمومی است که خروجی‌های سودمند گوناگونی، شامل بهبود وضعیت سلامت، کاهش سرعت رشد جمعیت، تقویت دموکراسی و به زمامداری و بسیاری دیگر از ابعاد توسعه و امنیت انسانی خواهد داشت.^۲ حتی این‌طور گفته می‌شود که سرمایه‌گذاری در این زمینه از بهترین

Science Journal, vol. 134, 1992, pp 615- 626 .

۱. نیاورانی، صابر؛ منزلت حق بر آموزش در نظام بین‌المللی بشر، تحقیقات حقوقی، زمستان ۱۳۸۹، شماره ۵۲، ص ۳۸۹.

2. Alston, Philip and Bhuta, Nehal, "Human Rights and Public Goods: Education as a Fundamental Rights in India" in: **Human Rights Development**, Edited by Alston, Philip and Robinson, Mary, Oxford, 2005, p 247.

سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی دولت‌ها خواهد بود.^۱

با توجه به هنجارهای مربوط به حوزه آموزش در نظام بین‌المللی حقوق بشر حق بر آموزش حقی بنیادین است که هر شخص صرف‌نظر از نژاد، جنس، ملیت، پیشینه قومی یا اجتماعی، مذهب، گرایش‌های سیاسی، سن یا ناتوانی از آن برخوردار است. حق بر حداقل‌های آموزشی حق – ادعایی است که لازمه آن وجود متعهد در طرف دیگر و ماهیت آن در برخی زمینه‌ها مانند عدم تبعیض در آموزش تعهد به نتیجه فوری می‌باشد.^۲ اما از سوی دیگر می‌توان آموزش را یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌ها و زمینه‌ساز تحقق توسعه اجتماعی دانست. همچنین این مسئله که در صورت ناتوانی کشور به علت کمبود منابع به فراهم آوردن آموزش رایگان ابتدایی برای همگان، سایر دول موظفند با انتقال امکانات و کمک‌ها، به دستیابی به اهداف آموزشی کمک کنند،^۳ نیز در زمره مواردی است که به واسطه اندیشه توسعه اجتماعی تقویت می‌شود. در واقع کشورهای فقیر برای کمک و همکاری در حیطه حقوق آموزشی همواره ادعایی در برابر کشورهای غنی مطرح کرده‌اند که می‌توان آن را در راستای تحقق حق بر توسعه‌شان دانست؛^۴ به‌گونه‌ای که انتظار برای انتقال منابع مالی و تکنولوژیکی و تبادلات علمی، به منظور کاهش فاصله کشورهای

1. Office of the High Commissioner for Human Rights, General Comment No. 13, Committee on Economic, Social and Cultural Rights, 1999, Para 1.

2. Coomans, Fons, "Content and Scope of the Right to Education as a Human Right and Obstacles to Its Realization", in: Human Rights in Education, Science, and Cultural Rights, UNESCO, 2007, p 197.

۳. پلاسیدی، پریا؛ **تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه و حق بر توسعه**، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۲، ص ۷۹.

۴. «علی‌رغم پیشرفت چشمگیر در وسعت بخشیدن به دسترسی به آموزش ابتدایی در سرتاسر دنیا، تعداد کودکان در سن تحصیل خارج از مدرسه بسیار زیاد باقی مانده است. در ۲۰۱۱ به صورت تخمینی ۵۷ میلیون کودک در سن تحصیلات ابتدایی هنوز نام‌نویسی نشده‌اند هرچند که این مقدار از ۱۰۲ میلیون در سال ۲۰۰۰ کاهش یافته است. همچنین یونسکو تخمین می‌زند که یکی از هر چهار کودک وارد شده به مدارس ابتدایی قبل از پایان دوره مزبور احتمالاً حذف می‌شود. اما به‌طور کلی گفته می‌شود که آمار ورود به مدارس ابتدایی و اتمام آن در میان دختران و پسران به‌طور چشمگیری از دهه ۱۹۹۰ به‌عنوان نتیجه عملیات اهداف توسعه هزاره برای دستیابی به تحصیلات ابتدایی در کشورهای در حال توسعه افزایش یافته است.»

United Nations Department of Economic and Social Affairs, Inequality Matters: Report of the World Situation 2013, pp51 – 52.

در حال توسعه و توسعه‌یافته را در بر می‌گیرد.^۱ اگرچه اهمیت برنامه‌ریزی داخلی و اعمال قواعد بین‌المللی راجع به کیفیت مطلوب آموزش برای تغییر و ارتقای وضعیت این نهاد اجتماعی به‌گونه‌ای مساعد برای تحقق توسعه اجتماعی و ایجاد جامعه‌ای برای همه، نباید مورد غفلت واقع شود. بنابراین به نظر می‌رسد که آموزش و توسعه اجتماعی تأثیر عمیق، پیچیده و گسترده‌ای بر هم دارند. در رابطه دوسویه میان دو موضوع مورد بحث، از طرفی توسعه اجتماعی در راستای تثبیت و ارتقای سطح آموزش می‌کوشد و سطح و کیفیت آموزش را ارتقا می‌بخشد. در سوی دیگر این رابطه آموزش باعث ارتقای سطح توسعه یافتگی به لحاظ اجتماعی شده، زیرا، درک و شعور انسانی و اجتماعی را در خصوص حق‌ها و آزادی‌ها بالا می‌برد، افراد را توانمند می‌سازد، قابلیت مشارکت اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی در جامعه را افزایش می‌دهد، باعث دگرگونی فرهنگ می‌شود، صلح می‌آفریند و این همان جریانی است که توسعه اجتماعی را به دنبال دارد.^۲

بند ۱. توانمندسازی و چالش منع تبعیض در فرایند آموزش

در بررسی آموزش در قالب یکی از مؤلفه‌های توسعه اجتماعی باید بر لزوم فراگیری آن به‌عنوان یک نهاد توانمندساز تأکید شود. به لحاظ حقوقی ماده ۲ میثاقین سازمان ملل متحد، دولت‌های عضو را متعهد نموده است که تمامی حقوق اعلام شده در آنها را بدون هیچ‌گونه تبعیضی از لحاظ نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و غیر سیاسی، منشأ اجتماعی یا ملی، دارایی، تولد یا سایر وضعیت‌ها تضمین نمایند.

اساساً توانمندسازی به فرایندی که به واسطه آن افراد، نهادها و جامعه تقویت شده و به ایجاد ظرفیت‌هایی که به تنظیم و دست یافتن به معیارها و اهداف توسعه در طول زمان می‌انجامد، اطلاق شده است.^۳ به بیان دیگر توانمندی فرایندی است که به‌واسطه آن اشخاص یا جوامع کنترل یا سلطه خود بر زندگی یا تصمیماتی که بر زندگی آنان تأثیرگذار است را افزایش

1. Beiter, Klaus Dieter, The Protection of the Right to Education by International Law, Boston, Martinus Nijhoff Publishers, 2005, p43.

۲. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به:

اسلامی، رضا و همکاران؛ آموزش حقوق بشر، انتشارات مجمع علمی فرهنگی مجد، تهران، ۱۳۹۳.

3. Eslami, Reza, Human Rights Activism: Theory and Practice, Tehran, Jungle Publication, 1392, pp 173 – 175.

می‌دهند.^۱ «آموزش به منظور توانمندسازی آموزشی پویا است و باید شناسایی کند که افراد بشر علاوه بر توانایی دانستن واقعیت، ظرفیت عمل و عکس‌العمل منتقدانه را هم دارند.»^۲ خودآگاهی به فرایندی اشاره دارد که در آن افراد نه به‌عنوان دریافت‌کننده، بلکه به‌عنوان فاعلانی آگاه، به نوعی آگاهی عمیق درباره واقعیات اجتماعی - فرهنگی که زندگی‌شان را شکل می‌دهد، دست می‌یابند، و نیز برای تغییر این واقعیات توانا می‌شوند.^۳ این مسئله به‌واسطه اینکه در فرایند توسعه اجتماعی مردم کارگزاران شکل‌گیری پروسه مزبور هستند، ارتباط دارد. از این‌رو، چالش رفع تبعیض که گروه‌های مختلف اجتماعی با آن روبه‌رو هستند از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های این حوزه به شمار می‌رود.

الف) حذف کلیشه‌های جنسیتی و نقش آموزش در توانمندسازی زنان

بر مبنای تعهد به در دسترس گذاشتن آموزش، بحث عدم تبعیض با تمرکز بر تضمین عدم ایجاد مانع برای دختران در خصوص دریافت آموزش، به‌واسطه اشخاص ثالث، مطرح گردیده^۴ و قابل بررسی است. این واقعیت وجود دارد که دختران بیش از پسران احتمال می‌رود که از تحصیل محروم شوند.^۵ در حالی که آثار منفی نابرابری جنسیتی فراتر از تأثیر صرف بر زنان جامعه، دامنه گسترده‌تری را شامل می‌شود. مشارکت زنان از ملزومات توسعه اقتصادی و فراتر از آن توسعه اجتماعی است. به بیانی نابرابری در این زمینه، تدارک ظرفیت‌های توسعه‌ای کشور را تحلیل

1. Kreisberg, Seth, *Transforming Power: Domination, Empowerment, and Education*, Albany, State University of New York Press, 1992, p 19.

2. Meintjes, Garth, "Human Rights Education: Reflection on Pedagogy", in: *Human Rights Education for Twenty first Century*, Edited by George J. Andreopoulos and Richard Pierre Claude, Philadelphia, University of Pennsylvania Press, 1997, Chapter 5, p 73.

3. Freire, Paulo, "The Adult literacy Process as Cultural Action for Freedom", *Harvard Educational Review* 49, 1970, No. 2, p 493.

4. General Comment, No. 13, Para 50.

۵. باید توجه داشت که اکثریت کودکان محروم از تحصیل - ۵۳٪ - دختران هستند و به‌عنوان پیامد جهت‌گیری تاریخی در برخورد جنسیتی با آموزش دو سوم بی‌سوادان دنیا زنان هستند. هرچند که پیشرفت چشمگیری در مورد تساوی جنسیتی در آموزش در برخی کشورها روی داده است.

See: UNDP, *Human Development Report*, 2013, p 31.

می‌برد.^۱ در همین راستا طی یک اجماع بین‌المللی در اعلامیه آموزش برای همه در ماده ۳ مشخص شده است که «در رابطه با تضمین دستیابی و تقویت کیفیت آموزش برای دختران و زنان و از میان برداشتن موانعی که جلوی مشارکت فعال آنها را می‌گیرد، اولویتی اضطراری وجود دارد. هرگونه رفتار قالبی جنسیتی در آموزش باید حذف گردد.»^۲ توسعه اجتماعی در واقع علاوه بر تغییرات ساختاری در جامعه تا حدود زیادی تغییر در باورهای مردمان را نیز می‌طلبد. ضمن اینکه نهاد آموزش می‌تواند بستری برای تغییر باورها و عرف‌های سنتی موجود علیه زنان فراهم کند.^۳

ب) کودکان کار: حلقه مفقوده حق بر آموزش

به‌عنوان یک چالش پیچیده جهانی، کار کودک که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته، معضلی حل نشده باقی مانده از جمله مصادیق قدیمی نقض حقوق بشر است. کار کودک کاری است که برای توسعه فیزیکی و روانی فرد مضر است و زیر حداقل سن قانونی مناسب توسط کودک برعهده گرفته می‌شود. اغلب هزینه‌های تحصیل و هزینه فرصت از دست دادن کار کودک از عوامل اصلی استمرار و تشدید ابعاد این مشکل تلقی می‌شود. بنابراین این «اگرچه رشد اقتصادی راهگشا است، بحث سیاست‌گذاری می‌تواند مهم‌تر هم باشد.»^۴

بررسی هنجارهای حقوقی، اسناد و برنامه‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که در موارد متعددی مقوله کار کودک مورد منع قرار گرفته است.^۵ واقعیت وجود این معضل، جامعه بین‌المللی را بر آن داشت تا به‌عنوان شیوه‌ای بسیار کارآمد جهت جلوگیری از ورود کودکان در سن مدرسه به اشکال نابهنجار اشتغال، بسط و بهبود آموزش و فرصت‌های تحصیلی مدنظر قرار گیرد.^۶ اگرچه الزامات

1. Ramakrishnan, R, "Empowerment by Women's Education", presented at the 7th Thinkers & Writer's Forum, Institute of Social Sciences, 12 November 2010, pp 1- 2.

2. UNESCO, World Declaration on Education for All, World Conference on Education for All, 1990.

3. Satterthwaite, Margaret L., "Crossing Borders, Claiming Rights: Using Human Rights Law to Empower Women Migrant Workers", Yale Human Rights and Development Law Journal, Vol. 8, 2005, p 50.

4. ILO, Marking Progress against Child Labour , International Programme on the Elimination of Child Labour, Geneva, 2013, p viii .

5. UNICEF, Child Labour, Child Protection Information Sheet, 2006, p 1.

6. Rena, R, "The Child Labour in Developing countries: A Challenge to Millennium Development Goals", Indus Journal of Management & Social Sciences, Vol. 3, Spring 2009, No. 1, pp 1- 8.

بین‌المللی در شناسایی و مقابله با مشاغل پرخطر کودکان کار به‌عنوان یک ابزار مهم برای پیشرفت و توسعه قلمداد می‌شود؛^۱ به نظر می‌رسد اجباری کردن تحصیل قاعده‌ای شایسته برای رفع این مشکل است. هرچند اساساً انجام کار اغلب با رفتن به مدرسه تداخلی ندارد، اما به هر حال از کار تمام وقت کودک جلوگیری کرده و این در جای خود حائز اهمیت است.^۲ یونیسف اعلام کرده است که دولت‌ها نتوانسته‌اند از عهده کار کودک برآیند زیرا این یک مسئله پیچیده سیاسی و اجتماعی-اقتصادی است.^۳ اما حد پایه بحث این است که کودکان حق بر آموزش دارند. تاریخ نشان داده است آموزش راهکاری جدی برای لغای کار کودک، ایجاد یک نیروی کار ماهر و تقویت توسعه اجتماعی با توجه به اصول عدالت اجتماعی بوده است.^۴ تحصیل اجباری یک عمل دفاعی مهم در برابر بردگی کودکان و زیان‌بارترین اشکال کار کودک می‌باشد.^۵

بند ۲. آموزش و ترویج فرهنگ جهت نیل به توسعه اجتماعی

لزوم توجه به چالش فرهنگ‌سازی در بستر نظام بین‌المللی حقوق بشر از دیگر موضوعاتی است که نقش پر رنگ آموزش بر تحقق فرایند توسعه اجتماعی تأیید می‌کند. پیشگفتار اعلامیه یونسکو در مورد تنوع فرهنگی^۶ این‌طور بیان کرده است که فرهنگ مجموعه علائم شاخص معنوی و مادی، عقلانی و احساسی است که معرف یک جامعه یا یک گروه اجتماعی بوده و

۱. «تخمین‌های جدید نشان می‌دهد که ۱۶۸ میلیون کودک کارگر در جهان وجود دارد که تقریباً ۱۱ درصد کل کودکان دنیا به حساب می‌آیند. این آمار نشانگر یک پیشرفت چشمگیر در کاهش تعداد کودکان کار به میزان تقریباً یک سوم از سال ۲۰۰۰ و در یک دوره ۱۲ ساله است.» در این میان نقش قابل ملاحظه‌ای برای سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی از جمله ILO قائل شده‌اند که با برنامه‌های خود نقش مهمی در این پیشرفت ایفاء کرده است.

ILO, op.cit., p vii.

2. Basu, Kaushik, "Child Labour: Cause, Consequence, and Cure, with Remarks on International Labour Standards", Department of Economics Uris Hall, Cornell university, 1998, p70.

3. Gibbons, Elizabeth and others, "Child Labour, Education and the Principle of Non-Discrimination", in: Human Rights Development, Edited by Alston, Philip and Robinson, Mary, Oxford, 2005, p 204 .

4. ILO, Combating Child Labour through Education, International Programme on the Elimination of Child Labour, 2004, p3.

5. Bernhard Boockmann, "The Effect of ILo Minimum Age Conventions on Child Labour and School Attendance", ZEW - Centre for European Economic Research Discussion Paper, No. 04-052, 2004.

6. UNESCO, Universal Declaration on Cultural Diversity, General Conference of UNESCO, 2002.

علاوه بر هنر و ادبیات، شامل شیوه‌های زندگی فردی، اشکال زندگی جمعی، نظام‌های آموزشی و باورها است. نظریات نوین در رابطه با شناخت مقوله فرهنگ، بر ویژگی اکتسابی بودن فرهنگ پای می‌فشارند^۱ و اصولاً نافی فرایند یادگیری از رهگذر حیات اجتماعی نیستند.^۲ فرهنگ در قالب ارزش‌ها از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و در این حین در تعامل با تغییرات اجتماعی، انتخاب‌های برتر در صورت وجود حق انتخاب، همواره انتخاب می‌شوند. زیرا، ذات فرهنگ اکتسابی است و در تعامل با محیط اجتماعی و طبیعی شکل گرفته است. بنابراین ادعا و تلاش برای تأثیر متقابل آموزش- که در بسیاری از متون جزء حقوق فرهنگی شناخته شده- و فرهنگ بر یکدیگر اقدامی عبث نیست، بلکه با هدفمند کردن این رابطه در راستای تحقق اهداف توسعه اجتماعی، می‌توان بر سرنوشت جهان تأثیرگذار بود.

الف) آموزش فرهنگ صلح با تأکید بر برابری و رواداری اجتماعی

در تبیین رابطه آموزش فرهنگ صلح با توسعه اجتماعی باید متذکر شد که توسعه اجتماعی از تغییر به سوی مطلوبیت حکایت دارد و از جمله مفاهیمی که در قالب حقوق توسعه، بر شرایط زندگی مردمان تأثیرگذار تلقی می‌شود، مفهوم صلح و رواداری است. در واقع توسعه نیز در جامعه‌ای که در آتش جنگ و نزاع می‌سوزد، محقق نمی‌شود. بنابراین صلح نه تنها از اهداف توسعه اجتماعی، بلکه مهیا کننده بستری مساعد برای توسعه است. مجمع عمومی در پنجاه و سومین اجلاس خویش در حین پرداختن به دستور کار شماره ۳۱ خود، اعلامیه و برنامه عمل فرهنگ صلح را تدوین کرد.^۳ ماده یک این اعلامیه در ۹ بند به تعریف فرهنگ صلح پرداخته است و آن را مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها، سنن و گونه‌های رفتار و طرق زندگی بر اساس پیروی و تبعیت از اصولی چون آزادی، عدالت، دموکراسی، رواداری، همبستگی، همکاری، پلورالیسم، کثرت‌گرایی فرهنگی، گفتگو و تفاهم در تمامی سطوح اجتماع و میان جوامع، تعریف نموده است.

نکته قابل تأمل راجع به ارتباط این موضوع با بحث توسعه اجتماعی این است که در اکثر

۱. مجزاده، غزاله؛ **حقوق فرهنگی و صلح**، رساله دوره دکتری دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰، ص ۲۵.
 2. Tylor, E.B, **Primitive Culture**, Vol. 1, London: Murray, J. and Street, A. 1871, Chapter 1, p1.
 3. United Nations General Assembly, **Declaration and Programme of Action on a Culture of Peace**, A/RES/53/243, 6 October 1999.

مخاصمات طرف‌های مخالف، به ندرت از نظر شرایط اجتماعی-اقتصادی، سیاسی و آموزشی برابرند. به‌ویژه به لحاظ اینکه طرف‌ها ممکن است در سطوح متفاوتی از توسعه بسر برند.^۱ به نظر می‌رسد از جمله روش‌های اساسی برای ایجاد «فرهنگ صلح»، ترویج آموزش صلح و توانمند سازی همه گروه‌های جامعه است.^۲ اگرچه باید کوشید تا احساس برابری و درک متقابل میان همه گروه‌ها ایجاد شود رواداری این مجموعه را با سیستمی از ارزش‌ها تکمیل می‌کند.

ب) فرهنگ‌سازی برای توسعه پایدار از طریق آموزش

هنجارهای توسعه پایدار نشان می‌دهد که در هزاره سوم میلادی، یکی از دغدغه‌های اصلی سازمان‌های بین‌المللی و مراکز علمی و تحقیقاتی، بروز معضلات محیط زیست و روند فزاینده آن می‌باشد.^۳ اساساً توسعه پایدار در تقابل دو ضرورت مهم توسعه‌یافتگی و حفاظت از محیط زیست وارد ادبیات حقوقی شد؛^۴ سه جنبه دارد: محیط زیست، توسعه اجتماعی و توسعه اقتصادی. هیچ یک از این مؤلفه‌ها جدای از دیگری نیست. در این میان علاوه بر اینکه توسعه اجتماعی یکی از ارکان توسعه پایدار دانسته شده، درک تأثیر آموزش به‌عنوان یکی از عمده شاخص‌های توسعه اجتماعی قابل تأمل است. "سواد زیست محیطی" بر درک وابستگی و ظرافت سیستم‌های حیات بر روی این سیاره استوار است.^۵ با تأکید بر آموزش برای توسعه پایدار^۶ به درستی تشخیص داده شد که دستیابی به این مفهوم بدون آموزش مناسب، مهارت آموزی و افزایش آگاهی عمومی ناممکن است. آموزش در کانون آیین‌های بهبود کیفیت زندگی قرار دارد و از این رهگذر شناس

1. Salomon, Gavriel, "Does Peace Education Make a Difference in the Context of an Intractable Conflict?", Center for Research on Peace Education, 2003, p6.

2. Ambassador Chowdhury, Anwarul, "Developing Democracy through Peace Education: Educating toward a World without Violence", Global Campaign for Peace Education, October 20-24, 2004, p. 20.

۳. رکن‌الدین افتخاری، عبد‌الرضا و سایرین؛ راهبردهای توسعه آموزش توسعه پایدار در ایران، جغرافیا، فصلنامه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، ۱۳۸۹، ش ۲۵، ص ۵۰.

۴. رضانی قوام آبادی، محمدحسین؛ از ریو تا ریو در تکاپوی توسعه پایدار، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۲، شماره ۶۲، ص ۴۱۵.

5. Gonzalez-Gaudiano, Edgar, "Education for Sustainable Development: Configuration and Meaning", Policy Futures in Education, Vol. 3, 2005, No. 3, p245.

6. Education for Sustainable Development.

نسل بعدی را برای بهزیستی اقتصادی و اجتماعی افزایش می‌دهد. بنابراین آموزش مقوله‌ای است که به درستی در رابطه با توسعه پایدار مد نظر قرار گرفته است و توسعه اجتماعی لزوماً می‌بایست از ارکان این نوع توسعه محسوب گردد. زیرا، توسعه یک فرهنگ است، با ارزش‌های جامعه در ارتباط است و نیازمند آموزشی به درازای طول عمر برای ایجاد نوعی دگرگونی فرهنگی است که می‌خواهد انگاره پایداری را با درک و تحقق مفاهیمی چون «عدالت اجتماعی» در روابط اقتصادی- اجتماعی میان افراد انسانی و «عدالت اکولوژیکی» میان اشخاص و سیاره زیست‌پذیرشان، تثبیت کند.^۱

مبحث دوم: چالش‌های ارتقای وضعیت بهداشت در راستای نیل به توسعه اجتماعی

در بررسی جایگاه مؤلفه بهداشت در حقوق توسعه می‌توان ادعا کرد که حق بر بهداشت بدون شک یکی از حقوق شناخته شده‌ای است که تأثیر مهم و غیرقابل انکاری بر تحقق توسعه دارد. چنان که می‌دانیم توجه به فاکتور امید به زندگی در هنگام تولد یکی از عمده شاخص‌های سنجش میزان دستیابی به توسعه انسانی در کشورهای مختلف دنیا است که نوعی ارزیابی کلی از وضعیت بهداشت جوامع محسوب می‌شود و در کل بهداشت به‌عنوان یکی از سه عامل تأثیرگذار در کنار آموزش و درآمد، وقوع توسعه انسانی را میسر می‌گرداند. علاوه بر این در سند راهنمای بسیار مهمی چون اعلامیه توسعه هزاره رد روشنی از اهمیت حق بر بهداشت در اهداف مورد توافق توسعه مشاهده می‌شود. طرح مباحث مربوط به ایدز یا بهداشت مادر و ... موضوعات اصلی تعهدات دولت‌ها نسبت به حق بر بهداشت و جزئی ضروری از توسعه اجتماعی برای عملی شدن تعهدات مورد توافق در اجلاس کپنهاگ را تشکیل می‌دهد^۲ و از سوی دیگر به واسطه اینکه حق بر بهداشت تأثیر انکارناپذیری بر کیفیت زندگی مردمان دارد و شدیداً بر کارکرد سایر فاکتورهای توسعه اجتماعی مؤثر است،^۳ می‌تواند از عمده شاخص‌های توسعه اجتماعی به شمار آید.

۱. مک اون، رزالین؛ **آموزش برای توسعه پایدار**، ترجمه داریوش کریمی و کامران گنجی، انتشارات کیان مهر، ۱۳۸۳، صص ۲۶-۲۷.

2. General Assembly, **Further Initiatives for Social Development**, 15 December 2000, Para31.

3. Ibid, Para 8 .

به لحاظ حقوقی با تعریف موسع حق بر بهداشت به‌عنوان حقی بر سلامتی کامل فیزیکی، روانی و اجتماعی و نه فقط نبود بیماری و ناتوانی،^۱ اساسنامه سازمان جهانی بهداشت بیان می‌کند که برخورداری از بالاترین استاندارد بهداشت، یکی از حقوق اساسی هر فرد انسانی بدون تمایز از حیث نژاد، مذهب، باورهای سیاسی و شرایط اقتصادی و اجتماعی است.^۲ حق بر بهداشت باید به‌عنوان حقی بر بهره‌مندی از انواعی از تسهیلات، امکانات، خدمات و شرایط ضروری برای تحقق بالاترین حد بهداشت قابل دستیابی دانسته شود.^۳

بدیهی است که در ارتقای کیفیت زندگی افراد انسانی از طریق بهبود وضعیت بهداشت چالش‌های متعددی قابل بحث است. به‌ویژه با توجه به اینکه باید پذیرفت که سلامت و توانایی جسمی، تنها دارایی عده‌ای از مردم است^۴ و مبنای اساسی برای توانمندسازی و ارتقای ظرفیت‌های زندگی آنان محسوب می‌شود؛ در حالی که بیماری از هر جهت کیفیت زندگی افراد را دستخوش بحران می‌کند. حمایت از افراد بیمار برای توقف بیماری‌های همه‌گیر ضروری است. سیستم بهداشت می‌بایست کارکردهایی داشته باشد؛ این کارکردها باید به اندازه درمان به پیشگیری هم توجه کنند. آنها باید دستیابی به داروهای ضروری و تولیدات بهداشتی مورد نیاز را تأمین کرده، کارکنان ماهر و با انگیزه در حوزه بهداشت به کار گرفته شده و خدمات دارای کیفیت بالا و بیمار محور در همه سطوح مراقبتی از اولیه تا بالاتر ارائه شود. در این رابطه به‌عنوان سندی بین‌المللی اعلامیه آما- آتا بیشتر مورد توجه است که به تقویت مراقبت‌های بهداشت اولیه به‌عنوان ابزاری برای شناسایی مشکلات اصلی بهداشت جامعه و تقویت دستیابی منصفانه به خدمات بهداشتی ترویجی، پیشگیرانه، درمانی و ... می‌پردازد و برنامه‌ها و گزارش‌های بین‌المللی در مواردی به ارائه راهکارهایی برای دستیابی به بهداشت پایدار توجه داشته‌اند.

اما به‌طور کلی ارتقای کیفیت شاخص‌های بهداشت در جامعه، در ارتباط با توسعه اجتماعی، چالش‌های دیگری را نیز در بطن خود گنجانده که توجه به آنها در راستای نیل به توسعه

1. International Health Conference, **Constitution of the World Health Organization**, 22 July 1946, preamble .
2. Ibid .
3. Office of the High Commissioner for Human Rights, General Comment No.14, Para9 .
4. Christoffel, Tom H., "**The Right to Health Protection**", The Black Law Journal, Vol. 6, 1980, p183 .

اجتماعی حائز اهمیت است. از جمله آنها باید به افزایش جمعیت که از پیامدهای مستقیم ارتقای مؤلفه بهداشت است و توجه به نیازهای متفاوت افراد در ساختارهای مختلف جمعیتی اشاره کرد. همچنین نشاط اجتماعی نیز موضوع نوظهوری است که هرچند شناخت بیشتر آن لازم است، به نظر می‌رسد ارتباطی قوی با وضعیت بهداشت داشته باشد و از سوی دیگر از آنجا که به ارتقای روحیه مشارکت در جامعه منجر می‌شود، به سعادتی که توسعه اجتماعی آن را پیگیری می‌کند، مرتبط است. واقعیتی که بر وابستگی متقابل و تفکیک‌ناپذیر کل حقوق بشر تأکید می‌کند.^۱

بند ۱. تغییرات ساختار جمعیتی جامعه و الگوی جمعیتی مناسب برای توسعه اجتماعی

مبنای این چالش از فرض وجود ارتباط گسترده‌ای میان وضعیت بهداشت در جامعه، جمعیت جامعه و توسعه اجتماعی قابل دریافت است. در واقع بر اثر بهبود وضع پزشکی و بهداشتی در سراسر جهان،^۲ جمعیت جهان به طرز بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است و افزایش میزان امید به زندگی را نیز در پی داشته است.^۳ این موارد اگرچه ارتقای شاخص‌های توسعه اجتماعی محسوب می‌شوند، اما باید توجه داشت که جمعیتی که به واسطه ارتقای این شاخص‌ها، برای مدت بیشتری زندگی می‌کند، چه نیازهایی دارد. زیرا، توسعه اجتماعی می‌خواهد جامعه‌ای برای همه بسازد. در واقع کیفیت زندگی، همان روح فرایند توسعه اجتماعی است.

جمعیت از عمده شاخص‌های مورد توجه در سنجش سطح توسعه یافتگی محسوب می‌شود. اینکه رشد جمعیت، محرک توسعه است یا مانع توسعه، بستگی به میزان و شتاب رشد جمعیت از یک سو و اوضاع و احوال اقتصادی و اجتماعی جامعه از سوی دیگر دارد.^۴

کشورهای توسعه نیافته به شدت در تضمین فاکتورهایی چون دستیابی به بهداشت و رفع نیازهای مرتفع نشده مربوط به تنظیم خانواده، نرخ بالای مرگ و میر کودک و مادر، تأثیر پذیری بالا از HIV و برخورداری از تحصیل، عملکرد ضعیفی نشان می‌دهند. وجود چنین مشکلات مهمی در میان جمعیت‌های رشد کننده با سرعت بالا، فشار فزاینده‌ای را بر منابع اندک مالی در

1. United Nations World Conference on Human Rights, Vienna Declaration and Programme of Action, A/CONF.157/23, 1993, P1, Para5.

2. UNDP, **Human Development Report**, 2013, piv .

3. Ibid, p6 .

۴. زنجانی، حبیب‌الله و سایرین؛ **جمعیت، توسعه و بهداشت باروری**، نشر بشری، چ ۲، ۱۳۷۹، ص ۱۰۲.

این کشورها وارد می‌آورد؛ به‌گونه‌ای که حتی حفظ هزینه‌های سرانه مصرف شده برای بهداشت و آموزش، چالش عظیمی است. از این‌رو، نیاز به کمک‌های مالی و فنی از ضروریات توسعه، حتی در ابعاد اجتماعی در کشورهای با حداقل سطح توسعه یافتگی و کم درآمد است. رشد آرام‌تر جمعیت، امکان و توانایی کشورها برای تطابق با نیازهای جمعیت و ایجاد شرایط مساعد برای توسعه پایدار را فراهم می‌آورد. شرایطی که بدون شک بر کیفیت زندگی مردمان می‌افزاید.^۱ در نگاه حقوق بشری به موضوع و در تطابق با مبانی توسعه اجتماعی، تقویت مواردی چون توانمندسازی زنان یا مشارکت مردان در پذیرش حقوق و مسئولیت‌های تولید نسلی، در رشد اقتصادی، کاهش فقر، کاهش مرگ و میر کودکان و کاهش شیوع ایدز و مواردی از این حیث که از مباحث جدایی‌ناپذیر فرمول نیل به توسعه هستند، بسیار مؤثر است.^۲ از سوی دیگر تعهد مهمی که دولت‌ها در کشورهای با جمعیت جوان و در راستای نیل به توسعه اجتماعی باید نسبت به آن پاسخگو باشند، مسئله توانمندسازی است. این اولویت همچنین بر ارتباط متقابل حق بر اشتغال مولد و کار شایسته با مباحثی چون آموزش، انسجام اجتماعی، برابری جنسیتی و ... تأکید می‌کند. علاوه بر اینکه لزوم مشارکت کامل و مؤثر جوانان، به همان میزان لزوم سرمایه‌گذاری بر آنان به‌عنوان کارگزاران اصلی توسعه و تغییر اجتماعی مورد تأکید است.^۳

در حالی که رشد بالای جمعیت در کشورهای توسعه نیافته یک نگرانی بزرگ محسوب می‌شود در بسیاری از بخش‌های دیگر دنیا، کشورها با مباحث متفاوتی به‌عنوان نتیجه رشد اندک جمعیت یا حتی کاهش جمعیت دست به گریبان هستند.^۴ در حالی که برخی ممکن است کاهش جمعیت را فرایند مطلوبی بدانند باید توجه داشت که کاهش آمار تولدها در ساختار جمعیتی تغییراتی ایجاد

1. United Nations Population Fund (UNFPA), United Nations Department of Economic and Social Affairs (UNDESA), United Nations Human Settlements Programme (UN-HABITAT), International Organization for Migration (IOM), Population Dynamics in the Post-2015 Development Agenda: **Report of the Global Thematic Consultation on Population Dynamics**, 2013, p23.

2. Forman, S. and Ghosh, R., **The Reproductive Health Approach to Population and Development**, Center on International Cooperation, 1999, p 57

3. Commission on Population and Development, Framework of Actions for the Follow-up to the Programme of Action of the International Conference on Population and Development (ICPD) Beyond 2014, Report of the Secretary-General, E/CN.9/2014/4, 2014

4. See: **United Nations Department of Economic and Social Affairs**, World Population Ageing: 1950 - 2050, United Nations.

می‌کند که به نوعی دیگر از سیاست‌گذاری‌ها نیازمند است. این تغییرات می‌تواند چالش‌ها و همین‌طور فرصت‌هایی را به همراه داشته باشد که در فرایند توسعه اجتماعی باید مورد توجه واقع شود. در عین حال که افزایش امید به زندگی اساساً یک موفقیت محسوب می‌شود، در صورتی که با تمایل به کاهش باروری ترکیب گردد، به پیر شدن سریع جمعیت می‌انجامد و نگرانی‌هایی راجع به امنیت درآمدی، حمایت اجتماعی، مراقبت‌های بهداشتی و شرایط زندگی در سالمندی در سرتاسر جهان ایجاد می‌کند. برخی این مباحث را در زمره مهم‌ترین اولویت‌های توسعه اجتماعی در جهان به شمار می‌آورند. هرچند که چالش‌های مربوط به پیری جمعیت غیرقابل توفیق تلقی نمی‌شود، در عین حال مستلزم یک بازنگری یا سازماندهی مجدد ساختارهای رفاهی کشور است. با افزایش تعداد پیران، باید بنیان‌های مالی ساختارهای تأمین اجتماعی تقویت شود. به‌طور کلی کشورها باید سیاست‌های تقویت‌کننده بازتوزیع مناسب درآمدهای ملی به نفع گروه‌های آسیب‌پذیر و غیر فعال از طریق سیستم‌های تأمین اجتماعی جامع مثلاً از طریق اقدامات حمایت شغلی، دسترسی به خدمات بهداشت عمومی و حمایت اجتماعی فراهم کنند. زمانی که ساختار جمعیتی به نوعی با نسبتی بزرگ‌تر از افراد سالخورده روبه‌رو است، لزوم تضمین مشارکت این افراد در فرایند توسعه، اهمیت حذف تبعیض بر مبنای سن را متذکر می‌شود. ضمن اینکه دولت‌ها متعهد هستند تکنولوژی‌ها و زیرسازیهایی لازم برای مرتفع کردن نیازهای جمعیت سالمند جامعه را توسعه بخشند. این مسئله در متون و اسناد گوناگونی مورد توجه و تأیید واقع شده است که سالمندی اجتماع نیاز به تقویت حمایت اجتماعی از این گروه را تشدید می‌کند.

بند ۲. نشاط اجتماعی؛ عنصر مرکزی توسعه اجتماعی

نشاط اجتماعی با موضوع حق بر بهداشت مرتبط است؛ ضمن اینکه بهبود کیفیت زندگی مردمان از اهداف نهایی توسعه است و رضایتمندی و خشنودی افراد جامعه به‌عنوان سنجش برای ارزیابی کیفیت شرایط زندگی قابل استفاده تلقی می‌گردد، روحیه نشاط اجتماعی به دلیل همبستگی بالایی که با موضوعات مشارکت و انسجام اجتماعی دارد، نقش قابل تأملی در پیشبرد فرایند توسعه اجتماعی ایفا می‌کند. "شادکامی در این معنا به جای اصطلاحات «خوب بودن» یا

«کیفیت زندگی» به کار می‌رود.^۱ این موضوع اخیراً مورد توجه جامعه جهانی قرار گرفته است؛ چنان‌که کمیسیون ارزیابی عملکرد اقتصادی و پیشرفت اجتماعی اشاره می‌کند، تأکید بر خشنودی مهم است؛ زیرا، به نظر می‌رسد شکاف در حال افزایشی میان داده‌های جمع‌آوری شده تولید ناخالص داخلی و آنچه خوشبختی مردم دانسته می‌شود وجود دارد.^۲ ایجاد محیطی برای بهبود وضعیت خشنودی و سعادت مردم، خود یک هدف توسعه اجتماعی محسوب می‌شود و شکی نیست که دولت‌ها باید در اولویت‌های‌شان تجدیدنظر کنند. در جولای ۲۰۱۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای تصویب کرد^۳ که طی آن از دولت‌های عضو خواسته شد که میزان نشاط مردمان خود را ارزیابی کنند تا از این عامل برای هدایت سیاست‌گذاری‌های عمومی، کمک گرفته شود. به نظر می‌رسد که استفاده از رویکرد توسعه انسانی و نشاط اجتماعی به‌عنوان مکمل، نقش عمده‌ای در تدارک سیاست‌ها و پیشرفت‌های اجتماعی ایفا می‌کند و اگر در بررسی‌های دقیق‌تر (به‌واسطه اینکه مفهوم نشاط اجتماعی به تازگی وارد گفتمان حقوقی شده) مشخص کند که این دو رویکرد مسیری ناهماهنگ را می‌پیمایند، فضایی برای بازبینی سیاست‌های مربوطه باز خواهد شد.

مردم می‌توانند به دلایل گوناگونی ناشاد باشند. از فقر گرفته تا بیکاری، معضلات خانوادگی تا بیماری جسمی. اما گفته می‌شود مشکلات سلامت روان در میان متغیرهای مختلف، مهم‌ترین متغیر ناکامیابی مردمان به شمار می‌رود؛ به عبارتی این عامل، جدی‌تر از بیماری جسمی، نقش تأثیرگذارتری نسبت به درآمد و بیکاری ایفا می‌کند.^۴ گزارش‌ها حاکی از این است که هیچ دولتی بیش از ۱۵ درصد بودجه بهداشت و درمانش را صرف مراقبت‌های بهداشت روان نمی‌کند.^۵ اما

1. Veenhoven, R., "Happiness: Also Known as "Life Satisfaction" and "Subjective Well-Being"", in: Handbook of Social Indicators and Quality of Life Research, Springer Netherlands, 2012, p63

2. Stiglitz, J.E., Sen, A. and Fitoussi, J.P., Report by the Commission on the Measurement of Economic Performance and Social Progress, Available at: www.stiglitzsenfitoussi.fr/documents/rapport_anglais.pdf.

3. UNGA, Happiness: **Towards a Holistic Approach to Development**, General Assembly Resolution, A/RES/65/309, 19 July 2011

4. Sustainable Development Solutions Network (SDSN), World Happiness Report, 2013, p40

5. World Health Organization (WHO), **Policies and Practices for Mental Health in Europe: Meeting the Challenges**, World Health Organization, Geneva, 2008, p118

امروزه باتوجه به چالش کشیده شدن فاکتورهای پیشرفت اجتماعی موجود و تلاش برای مطالعه موضوع نشاط اجتماعی، فرصتی ایجاد شده مبنی بر اینکه جوامع در مورد این بیماران بازتر عمل کنند و سهم بیشتری از بودجه بهداشتشان را به این حوزه اختصاص دهند. به‌خصوص اینکه بر اساس بررسی‌های به عمل آمده معضلات روانی عمده عامل ناکامیابی در زندگی تلقی شده است و اگر جهان شادتری می‌خواهیم عدم توجه به نیازهای روان دستیابی به پیشرفت‌های بعدی را دشوار می‌نماید.

مبحث سوم: چالش فقر در تحقق توسعه اجتماعی

مبارزه با فقر^۱ از مهم‌ترین بخش‌های فرایند تحقق توسعه اجتماعی به شمار می‌رود و در تحقق اهداف عالی توسعه اجتماعی از جمله دستیابی به برابری، عدالت و انسجام اجتماعی و تأمین صلح و امنیت جهانی بسیار دخیل است. اسناد بین‌المللی مربوط به توسعه اجتماعی نیز از اهمیت این مقوله در پروسه توسعه اجتماعی حکایت دارد و در این خصوص راهکارهایی برای رسیدن به وضعیت ایده آل حذف فقر مورد تأکید قرار گرفته است. بدیهی است که فقر در صورتی که مورد غفلت واقع شود مشکلات عدیده‌ای گریبان‌گیر جوامع داخلی و جامعه جهانی می‌شود. زیرا، فقر خود، محرومیت، نابرابری و نا امنی می‌آفریند و ارکان توسعه اجتماعی به این نحو با وجود معضلاتی چون احساس نابرابری، عدم مشارکت، ایجاد نا امنی و نیز آسیب‌پذیری در برابر بحران‌ها، فرو می‌ریزد.^۲ از این‌رو، طی دستورالعملی برای توسعه اجتماعی می‌توان اهمیت سیاست‌گذاری صحیح را در بعد داخلی برای توانمندسازی، ارتقای مشارکت، بهبود سیستم‌های حمایت اجتماعی برای تأمین امنیت مردمان در برابر فجایع زندگی، قابل بررسی و تجویز دانست. همچنین در بعد بین‌المللی، همکاری عنصر سازنده‌ای است که همواره مورد تأکید اسناد معتبر جهانی واقع شده و ضرورتی برای تحقق توسعه اجتماعی محسوب می‌شود. در تحلیل موضوع فقر امروزه توصیف فقر به‌عنوان شرایطی که بر افرادی صرفاً با درآمد پایین‌تر

۱. نگاه کنید به: گالبرایت، جان کنت؛ **ماهیت فقر عمومی**، ترجمه دکتر سید محمد حسین عادل، چ سوم، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۱.

2. See: Narayan, Deepa, **Can Anyone Hear Us?: Voices of the Poor**, World Bank Publication, 2000.

نسبت به سایرین، ناکافی است.^۱ افراد فقیر فقط قربانی توزیع نادرست منابع نیستند، بلکه محرومیت اجتماعی افراد را از انتخاب‌ها و فرصت‌های فرار از فقر و مطالبه حقوق‌شان و در نتیجه از منافع توسعه، محروم می‌کند.^۲ تلاش در جهت رفع این مشکل به لحاظ حقوقی، گستره‌ای از حقوق و اهداف مورد نظر توسعه اجتماعی را در بر می‌گیرد.^۳ در یک سطح حداقلی باید گفت که همه انسان‌ها حق ذاتی بر دسترسی به منابع لازم برای حداقل زندگی شایسته را دارا هستند. بحث حق بر استاندارد شایسته زندگی که در اسناد بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است،^۴ مردم را محق به برخورداری از سطح مناسبی از تغذیه، سرپناه و مراقبت‌های بهداشتی می‌پندارد. در واقع هر کسی که در هر جایی از فقر شدید رنج می‌برد، نقض دسته‌ای از حقوق اقتصادی و اجتماعی‌اش را متحمل می‌شود.^۵

به لحاظ حقوقی اقدامات و تعهدات بسیاری به موضوع رفع فقر اختصاص یافته که می‌توان به مواردی اشاره کرد؛ علاوه بر آنچه در قالب اهداف توسعه هزاره و گزارش‌های توسعه انسانی در این رابطه قابل پیگیری است، کنفرانس سازمان ملل متحد راجع به توسعه پایدار که در ۲۰۱۲ برگزار گردید، حذف فقر را به‌عنوان یکی از ملزومات ضروری توسعه پایدار - که توسعه اجتماعی یکی از ارکان اصلی آن است - شناسایی می‌کند.^۶ مجمع عمومی سازمان ملل در تصویب اقدامات بیشتر برای نیل به توسعه اجتماعی نیز، قرار دادن موضوع فقر را در مرکزیت اهداف و سیاست‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی و دستیابی به نوعی اتفاق نظر میان همه بازیگران

1. Walker, R.; Lawson, R. and Townsend, P., **Responses to Poverty: Lessons from Europe**, Fairleigh Dickinson University Press, 1984, pp55 - 56.

2. Department for International Development, Reducing Poverty by Tackling Social Exclusion, DFID Policy Paper, September 2005, piii .

3. World Summit for Social Development: **Copenhagen Programme of Action**, 1995, Chapter

4. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, 1966, Article 11; Universal Declaration of Human Rights, 1948, Article 25.

5. Eslami, Reza, Gonzalez, Darlene R., **Social and Economic Rights of Afghan Migrant Workers in Iran and Mexican Migrant Workers in the United States: A Comparative Study**, Tehran, Jungle Publications, 1393, p 62.

6. United Nations Conference on Sustainable Development, A/CONF.216/16, Rio de Janeiro, Brazil, 20 - 22 June 2012, Para 2.

مربوطه برای کاهش وضعیت فقر شدید را لازم می‌شمارد.^۱ همچنین شورای حقوق بشر اصول راهنمایی راجع به فقر شدید و حقوق بشر به صورت کنسوسوس در قطعنامه ۲۱/۱۱ خود به تصویب رسانده است.^۲ این سند اولین سند راهنمای جهانی برای سیاست‌گذاری با تمرکز خاص بر حقوق بشر افرادی که در فقر زندگی می‌کنند، دانسته شده است.^۳

بند ۱. فقر، مانع توسعه اجتماعی

افرادی که دچار فقر مادی هستند، به شدت احساس فقدان توانایی اظهار نظر، قدرت و استقلال می‌کنند. نبود حاکمیت قانون، عدم امنیت در برابر خشونت و تحمیل انواع تبعیض‌ها و نابرابری‌ها به واسطه ساختارها و نهادهای اجتماعی، بار ناکامی فقرا را سنگین‌تر از تحمل صرف فقر مادی می‌کند.^۴ در واقع جامعه و روابط و ساختارهای اجتماعی آن فقرا را از بهره‌گیری از فرصت‌های اقتصادی جدید و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی یا سیاسی بازداشته و مانع کاهش محرومیت انسانی می‌گردد^۵ و پروسه پیچیده‌ای ظهور می‌کند که باعث تعمیق شکاف‌های اجتماعی و جلوگیری از وقوع توسعه اجتماعی می‌شود. زیرا، توسعه اجتماعی بر پایه برابری، توانمندسازی و مشارکت همه افراد جامعه شکل می‌گیرد.

اجلاس توسعه اجتماعی در ۱۹۹۵ و در پی آن اجلاس هزاره سازمان ملل که در سپتامبر ۲۰۰۰ برگزار شد، فقر را در بستر موسع‌تری از بیگانگی اجتماعی مورد بحث قرار داد، با انعکاسی از این واقعیت که فقر با پروسه انزوا و تجزیه اجتماعی مرتبط است و آزادی اقتصادی محض و بی‌توجهی به اوصاف زندگانی فقرا، انسجام اجتماعی را به‌عنوان یکی از اهداف و ارکان توسعه اجتماعی مورد تهدید قرار می‌دهد. تشدید وضعیت فقر به نقض حقوق بشر قابل تفسیر و طبق

1. A/RES/S-24/2, Para 25.

2. Human Rights Council, Guiding Principles on Extreme Poverty and Human Rights, A/HRC/RES/21/11, 27 September 2012.

3. Office of the High Commissioner for Human Rights, Guiding Principles on Extreme Poverty and Human Rights, 2012.

۴. حسن زاده، محمد و میرزا ابراهیمی، رضا؛ استراتژی کاهش فقر: تجربه کشورهای شرق آسیا، مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، چ اول، ۱۳۸۶.

۵. همان.

معاهدات حقوق بشری، کاهش فقر تعهد محسوب می‌شود.^۱ برابری یکی از اساسی‌ترین بخش‌های توسعه اجتماعی است. هر فردی حق دارد از زندگی رضایتمندانه‌ای که بر بنیان ارزش‌ها و خواسته‌های خود نهاده شده، برخوردار باشد. هیچ کس نباید به دلیل آنکه به طبقه، کشور، گروه قومی یا جنسیت خاصی تعلق دارد به زندگی نامساعدی محکوم شود. نابرابری، آهنگ توسعه انسانی را کاهش می‌دهد و در برخی موارد می‌تواند از آن جلوگیری کند.^۲

احساس نابرابری می‌تواند به فرسایش انسجام اجتماعی بینجامد. افراد فقیر از شرکت در مشورت درباره امور مشترک کنار گذاشته می‌شوند. برای آنها دموکراسی فقط جنبه صوری دارد و مبارزات آنها همواره به نابرابری کشانده می‌شود.^۳ به‌طور کلی بیشتر نزاع‌های امروز از داخل مرزهای نواحی‌ای نشئت می‌گیرد که سابقاً از حاشیه نشینی،^۴ عدم برخورداری از صدا یا آرای‌گیری برای مشارکت و فقر شدید رنج برده‌اند.^۵ این موضوع اهمیت توجه به مسئله فقر زدایی در بعد بین‌المللی برای حفظ و ابقای صلح و امنیت بین‌المللی را متذکر می‌شود.^۶ در این راستا اگرچه برخی از پذیرش لزوم همکاری بین‌المللی به‌عنوان یک تعهد سر باز می‌زنند، وجود واقعیاتی چون تهدید صلح جهانی به‌واسطه فقر، این گروه را نیز در عمل به همکاری جهت تدبیر رفع چنین معضلی وا می‌دارد.

بند ۲. سیاست‌گذاری اجتماعی برای کاهش فقر

سیاست‌های اجتماعی دولت‌ها در تعیین مسیر و میزان نابرابری فرصت‌ها و درآمدها مهم است.

1. Buckley, Graeme J. and Casale, Giuseppe, Social Dialogue and Poverty Reduction Strategies, International Labour Organization, 2006, p5.

2. UNDP, Human Development Report 2013, p29.

۳. بارتلی، هانری؛ پیشرفت و فقر: مفاهیم و دیالکتیک آنها از تمدن‌ها و فرهنگ‌ها در: فقر، پیشرفت و توسعه، پاول مارک هنری، ترجمه مسعود محمدی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۴، ص ۳۷-۳۸.

۴. بوئر، آلن و روفر، اگزویه؛ خشونت و ناامنی شهری، ترجمه محمدرضا گودرزی، انتشارات مجد، چ اول، ۱۳۸۲، صص ۱۰۰.

5. Goodhand, J., "Violent Conflict, Poverty and Chronic Poverty", Chronic Poverty Research Center, Working Paper No. 6, 2001, p 26.

6. See: World Bank, The World Development Report 2011, Chapter 1.

درحالی‌که رشد اقتصادی فاکتوری عمده در کاهش فقر محسوب می‌شود، رفع نابرابری‌ها می‌تواند به‌صورت چشمگیری فقر را کاهش دهد.^۱

افراد فقیر غالباً از آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه‌اند. از این‌رو، طراحی و اجرای درست ساز و کارهایی برای کاهش اثرات این بحران‌ها، مانند ارائه فرصت‌های برابر برای اشتغال، آموزش، خدمات بهداشتی یا به وجود آوردن یک شبکه حمایتی، همچون بیمه یا تأمین اجتماعی و ... در خور توجه است. دولت نقش محوری در مبارزه با فقر دارد و گفته می‌شود برای مبارزه با فقر و نابرابری دولت باید از دو راهبرد استفاده کند؛ یکی بهبود محیط کسب و کار و فراهم ساختن زمینه‌های سرمایه‌گذاری خصوصی و رشد اقتصادی^۲ و دیگری توانمندسازی فقرا، ایجاد فرصت‌های مناسب و امنیت لازم برای آنها.^۳ همچنین پیش‌بینی راهکاری مساعد برای ارائه خدمات اساسی با در نظر گرفتن نیاز آنان و کیفیت خدمات از جمله موضوعات مؤثر بر افزایش قابلیت‌های افراد فقیر است. ضمن اینکه برخورداری از مهارت و تخصص ورود به بازار کار و تغییر شرایط زندگی و پویایی اجتماعی را تسهیل می‌کند. از این‌رو، محیط اجتماعی - سیاسی یکی از تعیین‌کننده‌های اصلی در زمینه کفایت پروسه تبدیل رشد به توسعه و کاهش فقر است. در تحلیل راهکارهای ارائه شده باید گفت که گسترش اشتغال محل تلاقی برجسته‌ای میان اندیشه‌های مربوط به رشد اقتصادی از یک سو و توسعه و کاهش فقر از سوی دیگر را شکل می‌دهد. مشاغل موضوع قابل توجهی برای جوامع انسانی به شمار می‌روند؛ چون بر درآمدها، فرصت‌های اشتغال و ظرفیت جمعی برای مدیریت تنش‌های اجتماعی مؤثر است. برابری فرصت‌های کاری علاوه بر القای حس مشارکت و همبستگی به اشخاص، عامل و ابزاری جدی در دستیابی به بسیاری از اهداف اجتماعی مانند کاهش فقر می‌باشد. از این‌رو، می‌بایست جایگاه اساسی برای این مقوله در سیاست‌گذاری‌های جامعه به منظور رفع معضل فقر در نظر گرفته شود. گرایش کلی اجلاس توسعه اجتماعی بر مدار آفرینش جامعه‌ای برای همه می‌گردد؛ ایده کار

1. Department of Economic and Social Affairs, Report of the World Social Situation, United Nations, 2013., p 66.

۲. اسلامی، رضا و فرومند، لادن؛ **خصوصی‌سازی و توسعه حقوق بشر**، انتشارات جنگل، چ اول، ۱۳۹۳، ص ۲.

۳. هادی زوز، بهروز؛ **فقر و نابرابری درآمد در ایران**، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، ۱۳۸۴، شماره ۱۷، ص ۱۶۶.

شایسته برای همگان را می‌توان استنباطی منطقی از چنین اصلی در نظر گرفت.^۱ سیاست‌های فقرزدایی معطوف به رویکردهای حمایت‌گرایی نیز امروزه در مجامع بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است. رشد مستلزم اقداماتی تکمیلی است که منافع اقتصادی آن را منصفانه تقسیم کرده و عواید ناشی از توسعه بیشتری نصیب فقیران و گروه‌های مطرود اجتماعی کند. در همین راستا مؤسسه تحقیقات سازمان ملل برای توسعه اجتماعی^۲ حمایت اجتماعی جهانی و انصاف را به‌عنوان اهداف مرکزی سیاست‌گذاری اجتماعی معرفی می‌کند.^۳ حمایت اجتماعی به سیاست‌ها و اقداماتی بر می‌گردد که ظرفیت اقشار محروم و آسیب‌پذیر اجتماع را برای فرار از فقر و مدیریت بهتر خطرات و شوک‌های اقتصادی ارتقا می‌دهد. مستندات تحلیل‌های کمی چندگانه در برخی کشورهای در حال توسعه، نشان داده است که سطوح اولیه حمایت اجتماعی قابلیت مدیریت شدن و تقبل را دارد.^۴ از این‌رو، چنین راهبردی به صورت فزاینده‌ای به‌عنوان ابزاری برای سیاست‌گذاری که می‌تواند خروجی‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی در پی داشته باشد، پذیرفته می‌شود.^۵

بند ۳. همکاری بین‌المللی و مسئولیت جهانی برای کاهش فقر

با توجه به تعامل و وابستگی دولت‌ها در این برهه زمانی، باید این ایده را بیشتر مورد تأکید قرار داد که «دولت‌ها در قبال مردم سایر کشورها و جامعه بین‌المللی نیز تعهداتی دارند. این تعهدات را می‌توان از مقررات موجود در حقوق بشر و از یک سلسله اصول حقوق بین‌الملل استنتاج نمود.»^۶ در واقع هرچند دولت اقدام‌کننده در سطح ملی، مسئولیت اولیه تحقق حقوق بشر برای مردم سرزمین خود را دارد، این امر آنچه را که اساساً تکلیف تکمیلی جامعه بین‌المللی برای جبران نقض حداقل سطوح ضروری حقوق بشری است، تضعیف نمی‌کند. اگرچه دیدگاه کشورها در مورد ماهیت حقوقی تعهد به همکاری بین‌المللی تا حدود زیادی متفاوت بوده است و مباحثات و

1. Department of Economic and Social Affairs, The Employment Imperative: Report on the World Social Situation, United Nations, New York, 2007, pp4 – 5 .

2. United Nations Research Institute for Social Development.

3. UNRISD, Transformative Social Policy: Lessons from UNRISD Research, UNRISD Research and Policy Brief 5, United Nations, New York, 2006

4. International Labour Organization, Can Low-Income Countries Afford Basic Social Security? Geneva, 2008.

۵. مسعود اصل، ایروان؛ نظام رفاه اجتماعی در جهان: مطالعه تطبیقی، دفتر مطالعات اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۶۵.

6. Eide, A., Report on the Right to Adequate Food as a human Right, E/CN.4/Sub.2/1987/23, 1987, Para 279.

بررسی‌های بسیاری^۱ از این حیث که برخی همکاری بین‌المللی را یک تکلیف به حساب آورده‌اند - به‌خصوص بر اساس اعلامیه حق بر توسعه و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی - و از سوی دیگر برخی آن را هر چند تعهد اما از نوع اخلاقی پنداشته و هیچ تعهد الزام‌آوری در این رابطه نمی‌شناسند، شکل گرفته است،^۲ اما به نظر می‌رسد که باید پذیرفت که با توجه به وجود اسنادی چون اهداف توسعه هزاره، اجماعی راجع به لزوم وجود محیط بین‌المللی حمایتی و مبتنی بر همکاری برای نیل به توسعه، به دست آمده است. ضمن اینکه اهمیت این موضوع در رابطه با وقوع توسعه اجتماعی به‌واسطه تأکید بر همکاری بین‌المللی به‌عنوان عنصری برای مساعد نمودن محیط بین‌المللی برای این هدف، در بیانیه و برنامه عمل کپنهاگ انعکاس یافته است. امروزه گفته می‌شود که علاوه بر طرح و تأیید موضوع مورد بحث در متون و اسناد^۳ و کنفرانس‌های بین‌المللی،^۴ این ضرورت با اصل مسئولیت مشترک تکمیل شده است.^۵

همکاری بین‌المللی در راستای کاهش فقر، مواردی چون دستیابی بهینه کشورهای کمتر توسعه یافته به بازارها و اعطای وام‌ها و حل مشکلات مربوط به بازپرداخت آنها، تسهیل دسترسی به دارو با قیمت مناسب، اعطای کمک‌های رسمی برای توسعه و ارائه فناوری یا انتقال تکنولوژی و ... را میسر می‌کند. اما به هر روی کمک و همکاری بین‌المللی با هدف کاهش فقر، باید منصفانه و شفاف و نسبت به نیازهای کشورهای درحال توسعه حساس باشند.^۶ اگرچه باید توجه داشت که تکیه و تأکید بالا بر وابستگی به کمک‌های خارجی، بر ناپایداری توسعه مؤثر است، اما دقیق‌تر اینکه در شرایط مناسب، کمک‌ها و همکاری بین‌المللی در این خصوص، تأثیر مثبتی از خود بر جای گذاشته است.

1. For Example See: Keohane, R., *After Hegemony: Cooperation and Discord in the World Politics Economy*, Princeton University Press, 1984; Waltz, K., *Man, the State and War*, Columbia University Press, 2001 .

2. Report of the Open-Ended Working Group on the Right to Development, E/CN.4/2001/26, Annex 3, Para 48 .

3. Universal Declaration of Human Rights, Articles 22 and 28; Convention on the Rights of the Child, Articles 4 and 24 .

4. United Nations Conference on Environment & Development (1992); United Nations Millennium Declaration (2000); United Nations Conference on the Least Developed Countries: Declaration and Programme of Action (2001) .

۵. برای اطلاعات بیشتر، نگاه کنید به: سالومون، مارگوت؛ **مسئولیت جهانی برای حقوق بشر**، نشر مجد، ۱۳۹۱، صص ۲۹۵ - ۳۲۰.

6. Hunt, P.; Nowak, M. and Osmani, S., *Principles and Guidelines for a Human Rights Approach to Poverty Reduction Strategies*, OHCHR, 2005, Para 104 .

نتیجه‌گیری

توسعه اجتماعی از فضای فرهنگی، اکولوژیکی، اقتصادی و سیاسی که این توسعه در آن روی می‌دهد، مستقل نیست. این اتفاق که به صورت کاملاً برنامه‌ریزی شده در قالب فرایندی سازنده صورت می‌گیرد، اقدامی نیست که در انزوا و جدا از سایر حقوق بشری دنبال شود. در واقع توسعه حقی را مطرح می‌کند که در قالب آن کلیت حقوق بشر به‌عنوان یک مجموعه غیر قابل تفکیک از حقوق و آزادی‌ها، مطرح شده است و شانس عملی شدن در پرتو همبستگی و همکاری دولت‌ها را خواهد داشت.

توانمند ساختن اشخاص از طریق مؤلفه‌های اساسی چون آموزش و بهداشت که فی‌نفسه در ارتقای وضعیت توسعه اجتماعی کارکرد مؤثری دارند، برای مشارکت لازم است. آموزش جایگاه قابل توجهی در تجهیز و توانمندی افراد به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر داشته و می‌تواند شرایط زندگی آینده آنان و نیز جامعه را بهبود بخشد. همچنین با تأکید بر آموزش فرهنگ حقوق بشر می‌توان مسیر تحقق صلح و توسعه پایدار را هموار کرد. توجه به نیازهای بهداشتی نیز در زمره اهداف توسعه قرار دارد. تأکید بر این موضوع در قالب توسعه اجتماعی از اهمیت مضاعف برخوردار است. معضلات مربوط به این حوزه چالشی اساسی برای تحقق توسعه اجتماعی به شمار می‌رود. رفع نارسایی‌های بهداشتی که بیشتر حول مقابله با بیماری‌ها و فراهم کردن تسهیلات بهداشتی متمرکز است، آثار قابل تأملی به‌ویژه در رابطه با تغییرات ساختار جمعیت، لزوم توجه به رفع نیازهای اقشار مختلف اجتماع و نشاط اجتماعی خواهد داشت. به بیان دیگر برای تحقق توسعه اجتماعی و مشارکت افراد در این فرایند، به مردمانی سالم نیاز است. افرادی که با مشکلات جسمی و روانی درگیرند، وضعیت مناسبی برای چنین مشارکتی ندارند.

مواعنی که به‌واسطه هر نوع تبعیض و نابرابری در دسترسی افراد به مشارکت در حوزه‌های تصمیم‌سازی، دریافت آموزش، خدمات و مراقبت‌های بهداشتی و اشتغال مولد را محدود کرده است و افراد را در وضعیت فقر و محرومیت اجتماعی نگه می‌دارد، چه به‌واسطه سیاست‌گذاری در بعد داخلی و چه از طریق همکاری در سطح بین‌المللی باید از میان برداشته شود. این محدودیت‌ها و محرومیت‌های سرکوبگر، حتی اگر فجایع دیگری به دنبال نیابند نیز، از آنجا که

آزادی‌های اساسی انسان را مخدوش می‌کنند، مذموم تلقی می‌شوند.^۱ در نهایت باید توجه داشت که توسعه اجتماعی از موضوعات نه چندان قدیمی بحث توسعه است و تفحص پیرامون این اندیشه، واکاوی ابعاد پنهان آن و بسط نظریات و طرح‌ها در این زمینه، بدون شک منافع بسیاری برای جامعه بین‌المللی و بشریت به دنبال دارد.

۱. سن، آمارتیا؛ **توسعه به مثابه آزادی**، ترجمه حسین راغفر، انتشارات کویر، ۱۳۸۱، ص ۳۳.

فهرست منابع

الف) فارسی

۱. کتاب‌ها

۱. اسلامی، رضا و فرومند، لادن؛ **خصوصی‌سازی و توسعه حقوق بشر**، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۳.
۲. اسلامی، رضا و همکاران؛ **آموزش حقوق بشر**، تهران: انتشارات مجمع علمی فرهنگی مجد، ۱۳۹۳.
۳. بوئر، آلن و روفر، آگزیوه؛ **خشونت و ناامنی شهری**، ترجمه محمدرضا گودرزی، انتشارات مجد، ۱۳۸۲.
۴. حسن زاده، محمد و میرزا ابراهیمی، رضا؛ **استراتژی کاهش فقر: تجربه کشورهای شرق آسیا**، مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۶.
۵. زنجانی، حبیب‌الله و سایرین؛ **جمعیت، توسعه و بهداشت باروری**، نشر بشری، ۱۳۷۹.
۶. سالومون، مارگوت؛ **مسئولیت جهانی برای حقوق بشر: فقر جهانی و توسعه حقوق بین‌الملل**، ترجمه فریده شایگان، انتشارات مجمع علمی فرهنگی مجد، ۱۳۹۱.
۷. سن، آمارتیا؛ **توسعه به مثابه آزادی**، ترجمه حسین راغفر، انتشارات کویر، ۱۳۸۱.
۸. گالبرایت، جان کنت؛ **ماهیت فقر عمومی**، ترجمه دکتر سید محمد حسین عادل، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۱.
۱۰. گرب، ادوارد؛ **نابرابری اجتماعی: دیدگاه‌های نظریه پردازان کلاسیک و معاصر**، ترجمه محمد سیاهپوش و احمد غروی نژاد، نشر معاصر، ۱۳۷۳.
۱۱. مایر، جرال و سیرز، دادلی؛ **پیشگامان توسعه**، ترجمه علی اصغر هدایتی و علی یاسری، نشر سمت، ۱۳۸۴.
۱۲. مسعود اصل، ایروان، **نظام رفاه اجتماعی در جهان: مطالعه تطبیقی**، دفتر مطالعات اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸.
۱۳. مک اون، رزالین؛ **آموزش برای توسعه پایدار**، ترجمه داریوش کریمی و کامران گنجی،

انتشارات کیان مهر، ۱۳۸۳.

۲. مقالات

۱۴. بارتلی، هانری؛ پیشرفت و فقر: مفاهیم و دیالکتیک آنها از تمدن‌ها و فرهنگ‌ها
در: فقر، پیشرفت و توسعه، پاول مارک هنری، ترجمه مسعود محمدی، دفتر مطالعات
سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۴.
۱۵. رکن الدین افتخاری، عبد الرضا و سایرین؛ راهبردهای توسعه آموزش توسعه پایدار
در ایران، جغرافیا، فصلنامه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، ۱۳۸۹، شماره ۲۵.
۱۶. رضانی قوام آبادی، محمدحسین؛ از ریو تا ریو در تکاپوی توسعه پایدار، مجله
تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۲، شماره ۶۲.
۱۷. مؤمنی، فرشاد؛ نسبت توسعه اجتماعی با عدالت اجتماعی، در: مجموعه مقالات
همایش توسعه اجتماعی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.
۱۸. نیاورانی، صابر؛ منزلت حق بر آموزش در نظام بین‌المللی بشر، تحقیقات حقوقی،
زمستان ۸۹، شماره ۵۲.
۱۹. هادی زنوز، بهروز؛ فقر و نابرابری درآمد در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه
اجتماعی، سال چهارم، ۱۳۸۴، شماره ۱۷.

۳. پایان‌نامه و رساله

۲۰. پلاسعدی، پریا؛ تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه و حق بر توسعه، پایان‌نامه دوره
کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۲.
۲۱. مجدزاده، غزاله؛ حقوق فرهنگی و صلح، رساله دوره دکتری دانشکده حقوق دانشگاه
شهید بهشتی، ۱۳۹۰.

(ب) لاتین

1. Books

22. Beiter, Klaus Dieter, **The Protection of the Right to Education by International Law**, Boston, Martinus Nijhoff Publishers, 2005.

23. Buckley, Graeme J. and Casale, Giuseppe, **Social Dialogue and Poverty Reduction Strategies**, International Labour Organization, 2006.
24. Eslami, Reza, **Human Rights Activism: Theory and Practice**, Tehran, Jungle Publication, 1392.
25. Eslami, Reza, Gonzalez, Darlene R., **Social and Economic Rights of Afghan Migrant Workers in Iran and Mexican Migrant Workers in the United States: A Comparative Study**, Tehran, Jungle Publications, 1393.
26. Kreisberg, Seth, **Transforming Power: Domination, Empowerment, and Education**, Albany, State University of New York Place, 1992.
27. Keohane, R., **After Hegemony: Cooperation and Discord in the World Politics Economy**, Princetone University Press, 1984.
28. Waltz, K., **Man, the State and War**, Columbia University Press, 2001.
29. Tylor, E.B, **Primitive Culture**, Vol. 1, Murray, J. and Street, A., London, 1871.
30. Forman, S. and Ghosh, R., **The Reproductive Health Approach to Population and Development**, Center on International Cooperation, 1999.
31. Narayan, Deepa, **Can Anyone Hear Us?: Voices of the Poor**, World Bank Publication, 2000.
32. Walker, R.; Lawson, R. and Townsend, P., **Responses to Poverty: Lessons from Europe**, Fairleigh Dickinson University Press, 1984.

2. Articles

33. Alston, Philip and Bhuta, Nehal, "**Human Rights and Public Goods: Education as a Fundamental Rights in India**" in: **Human Rights Development**, Edited by Alston, Philip and Robinson, Mary, Oxford, 2005.
34. Ambassador Chowdhury, Anwarul, "**Developing Democracy through Peace Education: Educating toward a World without Violence**", Global Campaign for Peace Education, October 20-24, 2004.
35. Basu, Kaushik, "**Child Labour: Cause, Consequence, and Cure, with Remarks on International Labour Standards**", Department of Economics Uris Hall, Cornell university, 1998.
36. Bernhard Boockmann, "**The Effect of ILO Minimum Age Conventions on Child Labour and School Attendance**", ZEW - Centre for European Economic Research Discussion Paper, No. 04-052, 2004.

37. Christoffel, Tom H., "**The Right to Health Protection**", The Black Law Journal, Vol. 6, 1980.
38. Coomans, Fons, "**Content and Scope of the Right to Education as a Human Right and Obstacles to Its Realization**", in: **Human Rights in Education, Science, and Cultural Rights**, UNESCO, 2007.
39. Freire, Paulo, "**The Adult literacy Process as Cultural Action for Freedom**", Harvard Educational Review 49, 1970, No. 2.
40. Gibbons, Elizabeth and others, "**Child Labour, Education and the Principle of Non-Discrimination**", in: **Human Rights Development**, Edited by Alston, Philip and Robinson, Mary, Oxford, 2005.
41. Gonzalez-Gaudiano, Edgar, "**Education for Sustainable Development: Configuration and Meaning**", Policy Futures in Education, Vol. 3, 2005, No. 3.
42. Goodhand, J., "**Violent Conflict, Poverty and Chronic Poverty**", Chronic Poverty Research Center, Working Paper No. 6, 2001.
43. Meintjes, Garth, "**Human Rights Education: Reflection on Pedagogy**", in: **Human Rights Education for Twenty first Century**, Edited by George J. Andreopoulos and Richard Pierre Claude, Philadelphia, University of Pennsylvania Press, 1997.
44. Oyen, E., "**Some Basic Issues in Comparative Poverty Research**", International Social Science Journal, vol. 134, 1992.
45. Ramakrishnan, R., "**Empowerment by Women's Education**", Presented at the 7th Thinkers & Writer's Forum, Institute of Social Sciences, 12 November 2010.
46. Rena, R., "**The Child Labour in Developing countries: A Challenge to Millennium Development Goals**", Indus Journal of Management & Social Sciences, Vol. 3, Spring 2009, No. 1.
47. Salomon, Gavriel, "**Does Peace Education Make a Difference in the Context of an Intractable Conflict?**", Center for Research on Peace Education, 2003.
48. Satterthwaite, Margaret L., "**Crossing Borders, Claiming Rights: Using Human Rights Law to Empower Women Migrant Workers**", Yale Human Rights and Development Law Journal, Vol. 8, 2005.
49. Veenhoven, R., "Happiness: Also Known as "**Life Satisfaction**" and "**Subjective Well-Being**"", in: **Handbook of Social Indicators and Quality of Life Research**, Springer Netherlands, 2012.

3. International documents

50. Commission on Population and Development, Framework of Actions for the Follow-up to the Programme of Action of the International Conference on Population and Development (ICPD) Beyond 2014, Report of the Secretary-General, E/CN.9/2014/4, 2014.
51. Copenhagen Declaration on Social Development, A/CONF.166/9, 1995.
52. Department for International Development, Reducing Poverty by Tackling Social Exclusion, DFID Policy Paper, September 2005.
53. Department of Economic and Social Affairs, Report of the World Social Situation, United Nations, 2013.
54. Department of Economic and Social Affairs, The Employment Imperative: Report on the World Social Situation, United Nations, New York, 2007.
55. Eide, A., Report on the Right to Adequate Food as a human Right, E/CN.4/Sub.2/1987/23, 1987.
56. Gutto, Shadrack, The legal Nature of the Right to Development and Enhancement of its Binding Nature, UN Economic and Social Council, E/CN.4/Sub.2/2004/16, 1 June 2004, Para40 .
57. Human Rights Council, Guiding Principles on Extreme Poverty and Human Rights, A/HRC/RES/21/11, 27 September 2012.
58. Hunt, P.; Nowak, M. and Osmani, S., Principles and Guidelines for a Human Rights Approach to Poverty Reduction Strategies, OHCHR, 2005.
59. ILO, Combating Child Labour through Education, International Programme on the Elimination of Child Labour, 2004.
60. ILO, Marking Progress against Child Labour , International Programme on the Elimination of Child Labour, Geneva, 2013.
61. International Conference on Population and Development (ICPD), A/CONF.171/13/Rev.1, 1994.
62. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR), 1966.
63. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, 1966.
64. International Health Conference, Constitution of the World Health Organization, 22 July 1946.
65. International Labour Organization, Can Low-Income Countries Afford Basic Social Security? Geneva, 2008.

66. Office of the High Commissioner for Human Rights, General Comment No. 13, Adopted by the Committee on Economic, Social and Cultural Rights, 1999.
67. Office of the High Commissioner for Human Rights, General Comment No. 14.
68. Office of the High Commissioner for Human Rights, Guiding Principles on Extreme Poverty and Human Rights, 2012.
69. Report of the Open-Ended Working Group on the Right to Development, E/CN.4/2001/26, Annex 3.
70. Stiglitz, J.E., Sen, A. and Fitoussi, J.P., Report by the Commission on the Measurement of Economic Performance and Social Progress, Available at: www.stiglitzsenfitoussi.fr/documents/rapport_anglais.pdf.
71. Sustainable Development Solutions Network (SDSN), World Happiness Report, 2013.
72. UNDP, Human Development Report, 2013.
73. UNESCO, Universal Declaration on Cultural Diversity, General Conference of UNESCO, 2002.
74. UNESCO, World Declaration on Education for All, World Conference on Education for All, 1990.
75. UNICEF, Child Labour, Child Protection Information Sheet, 2006.
76. United Nations Conference on Environment and Development, Rio de Janeiro, 3 - 14 June 1992.
77. United Nations Conference on Sustainable Development, A/CONF.216/16, Rio de Janeiro, Brazil, 20 - 22 June 2012.
78. United Nations Conference on the Least Developed Countries: Declaration and Programme of Action 2001.
79. United Nations Department of Economic and Social Affairs, Inequality Matters: Report of the World Situation 2013.
80. United Nations Department of Economic and Social Affairs, World Population Ageing: 1950 - 2050, United Nations.
81. United Nations General Assembly Resolution, A/RES/S-24/2, 1 July 2000.
82. United Nations General Assembly, Declaration and Programme of Action on a Culture of Peace, A/RES/53/243, 6 October 1999.
83. United Nations General Assembly, Declaration on Social Progress and Development, Resolution 2542 (XXIV), 11 December 1969.

84. United Nations General Assembly, Declaration on the Establishment of a New International Economic Order, A/RES/S-6/3201, 1 May 1974.
85. United Nations General Assembly, Happiness: Towards a Holistic Approach to Development, Resolution Adopted by the General Assembly, A/RES/65/309, 19 July 2011.
86. United Nations General Assembly, The Future We Want, A/RES/66/288, 11 September 2012.
87. United Nations General Assembly, United Nations Millennium Declaration, A/RES/55/2, 18 September 2000.
88. United Nations Population Fund (UNFPA), United Nations Department of Economic and Social Affairs (UNDESA), United Nations Human Settlements Programme (UN-HABITAT), International Organization for Migration (IOM), Population Dynamics in the Post-2015 Development Agenda: Report of the Global Thematic Consultation on Population Dynamics, 2013.
89. Universal Declaration of Human Rights, 1948.
90. UNRISD, Transformative Social Policy: Lessons from UNRISD Research, UNRISD Research and Policy Brief 5, United Nations, New York, 2006.
91. World Bank, The World Development Report 2011.
92. World Conference on Human Rights, Vienna, A/CONF.157/23, 14-25 June 1993.
93. World Health Organization, Policies and Practices for Mental Health in Europe: Meeting the Challenges, World Health Organization, Geneva, 2008.